

گرفتن دوا



Getting medicine

 Espen Stranger-Johannessen

 Sara Rumen Krotev

 Shir Ahmad Laiwal

 2

 دری [prs](#) / English [en](#)



هَم درد دندان دارد. دندان او بسیار درد می کند.

...

Tom has a toothache. His tooth hurts very much.



او باید داکتر دندانش ملاقات کند، مگر اول او به چیزی برای درد
نیاز دارد.

...

He needs to see his dentist, but first he needs
something for the pain.



اوډتوسط موټر به يکي از نزديکترين دواځنه می رود.

...

He drives to the nearest pharmacy.



“دندان من درد میکند،” او میگوید. “آی بخطر آرام درد چیزی دارید؟”

...

“I have a toothache,” he says. “Do you have anything for that?”



“بلى، اينه گولي ضد درد. شه به خطر اينه به نسخه نيز نه داريد.”

...

“Yes, here are some painkillers. You don't need a prescription for these.”



“تشکر، قیمت ایش چند است؟”

...

“Thank you. How much do they cost?”



“قیمت اش نو ایرو است. مگر شهیدید یک داکتر دندان ملقات کنید.”

...

“They cost nine euros. But you should see a dentist.”



“صحيح است، من فردا صبح به داکتر دندان ام زنگ می زنم.”

...

“Okay, I will call my dentist tomorrow morning.”



“اگر شه نیز به دوا هلقور دارید، شه نیز به گرفتن یک نسخه از
داکتر دندان‌دان دارید.”

...

“If you need stronger medicine, you will need
to get a prescription from your dentist or
doctor.”



”تشكرا! خدا حفظ.“

...

“Thank you! Goodbye.”






LIDA Stories

lidastories.net

گرفتن دوا

Getting medicine

-  Espen Stranger-Johannessen
-  Sara Rumen Krotev
-  Shir Ahmad Laiwal (prs)

